



دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی  
گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد علوم سیاسی تحت عنوان:

## بررسی تأثیرات جهانی شدن بر حاکمیت دولت‌ها

استاد راهنما:

دکتر امین نواختی مقدم

استاد مشاور:

دکتر رجب ایزدی

پژوهشگر:

حمید سرمدی

آذر ۱۳۸۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## چکیده:

نام خانوادگی دانشجو: سرمدی	نام: حمید
عنوان پایان نامه: بررسی تأثیرات جهانی شدن بر حاکمیت دولت‌ها	
استاد راهنما: دکتر امین نواختی مقدم	
استاد مشاور: دکتر رجب ایزدی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: علوم سیاسی
دانشگاه: تبریز	
دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی تاریخ فارغ التحصیلی: آذر ۱۳۸۸ تعداد صفحه: ۱۶۶	
کلید واژه‌ها: جهانی شدن - حاکمیت - دولت - آمریکا - دولت‌های اقتدارگرا - نو واقع‌گرایی	
<p>گسترش تکنولوژی و نبوغ بشری در دهه‌های اخیر موجب شده که با انقلاب انفورماتیک و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی روابط جهانی بیشتر و سهل‌تر گردد. جهانی شدن یکی از پدیده‌هایی است که امروزه جامعه بشری با آن مواجه شده است و دامنه‌اش آن قدر وسیع است که تمام شئون زندگی بشری را در بر گرفته است، موجی که از غرب برخاسته و به عنوان بزرگترین و مهم‌ترین رخداد معاصر بشری محسوب می‌گردد.</p> <p>یکی از ابعاد گوناگون این فرایند، تأثیرات آن بر حاکمیت دولت‌ها می‌باشد. در تقابل جهانی شدن و حاکمیت دولت‌ها ۳ دیدگاه عمده وجود دارد: ۱- جهان‌گرایان افراطی ۲ - شکاکان ۳- تحول‌گرایان. این پژوهش ادعای مرسوم جهان‌گرایان افراطی مبنی بر زوال حاکمیت دولت‌ها را اغراق‌آمیز دانسته و دولت‌ها را با استفاده از نظریات نو واقع‌گرایی همچنان مهم‌ترین بازیگران عرصه بین‌المللی می‌داند.</p>	

تقدیم بہ:

دکتر گاہ والای لرد آکتون کہ گفت:

«قدرت فسادمی آورد و قدرت مطلق مطلقاً فسادمی آورد»

تقدیم بہ مادر م کہ اسوہ تلاش و فداکاری است

تقدیم بہ برادر م اسماعیل

تقدیم بہ خواہرا نم فریبا و اعظم

## تقدیر و سپاس

باسپاس و قدردانی از تلاشهای همیشگی و ارزشمند استاد فرهیخته ام

دکتر کمال الدین حریری نژاد

زحمات بی‌شائبه و دلسوزانه‌ای استاد راهنمای ارجمندم

دکتر امین نواختی مقدم

از راهنماییهای شفقانه و باارح استاد مشاورم

دکتر رجب ایزدی

و نیز از زحمات جانانه‌ی همه کسانی که در تدوین این پژوهش مرا یاری نمودند مخصوصاً آقایان علی اجمدی، اسلام غلامی، محمد شپری، علی اسدی، سعید سمدی،

باقر سمدی، باقر رزمی، تیم نجفیان، بهنام کاظمی، حسن رضائی‌نیا و باسپاس ویژه از زحمات دوست و مونس همیشگی ام علی اکبر شهناز و بهنام دنیا جو.

و نیز از همکاری و بهفکری مسئولین کتابخانه مرکزی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

مقدمه

**فصل اول: (کلیات)**

..... ۲	اشاره
..... ۵	۱-۱- تعریف دولت
..... ۵	۱-۱-۱- مردم یا جمعیت
..... ۷	۱-۱-۲- سرزمین
..... ۸	۱-۱-۳- حکومت
..... ۱۲	۱-۱-۴- حاکمیت
..... ۱۲	۱-۱-۴-۱- سرشت حاکمیت
..... ۱۲	۱-۱-۴-۲- تعریف حاکمیت
..... ۱۷	۱-۱-۴-۳- ویژگی‌های حاکمیت
..... ۱۴	۱-۱-۴-۳-۱- مطلق بودن
..... ۱۴	۱-۱-۴-۳-۲- جامعیت
..... ۱۵	۱-۱-۴-۳-۳- دائمی بودن
..... ۱۵	۱-۱-۴-۳-۴- جدایی ناپذیری
..... ۱۵	۱-۱-۴-۳-۵- انحصاری بودن
..... ۱۵	۱-۱-۴-۳-۶- تقسیم ناپذیری
..... ۱۸	۲-۱- تاریخچه جهانی شدن
..... ۲۷	۳-۱- چستی جهانی شدن
..... ۲۹	۱-۳-۱- برداشت‌های رایج از جهانی شدن
..... ۲۹	۱-۳-۱-۱- بین‌المللی شدن
..... ۲۹	۱-۳-۱-۲- آزاد سازی

- ۲۹ ..... جهان گستری ۳-۱-۳-۱
- ۳۰ ..... غربی کردن ۴-۱-۳-۱
- ۳۰ ..... قلمرو زدایی ۵-۱-۳-۱
- ۳۳ ..... تقسیم بندی نظریه پردازان جهانی شدن ۲-۳-۱
- ۳۳ ..... جهان گرایان افراطی ۱-۲-۳-۱
- ۳۴ ..... شک گرایان ۲-۲-۳-۱
- ۳۵ ..... تحول گرایان ۳-۲-۳-۱
- ۳۷ ..... برخی از ویژگی های جهانی شدن ۴-۳-۱
- ۴۴ ..... نظریات مکاتب گوناگون در مورد جهانی شدن ۴-۱
- ۴۴ ..... رئالیسم و جهانی شدن ۱-۴-۱
- ۴۶ ..... نئورئالیسم و جهانی شدن ۲-۴-۱
- ۴۸ ..... لیبرالیسم و جهانی شدن ۳-۴-۱
- ۵۱ ..... نئولیبرالیسم و جهانی شدن ۴-۴-۱
- ۵۳ ..... مارکسیسم و جهانی شدن ۵-۴-۱
- ۵۷ ..... رفتار گرایان و جهانی شدن ۶-۴-۱
- ۶۰ ..... فرا رفتار گرایان و جهانی شدن ۷-۴-۱
- ۶۳ ..... جدول مربوط به نظریات جهانی شدن ۸-۴-۱

### فصل دوم: نظریات موافقان مومو ماکمیت دولت ها در فرایند جهانی شدن

- ۶۵ ..... اشاره:
- ۶۶ ..... ۱-۲- حوزه سیاست و امور حکومتی
- ۸۰ ..... ۱-۱-۲- مؤلفه های تأثیر گذاری جهانی شدن بر حاکمیت دولت ها
- ۸۰ ..... ۱-۱-۱-۲- فروپاشی اتحادیه ها و دولت های ملی
- ۸۲ ..... ۲-۱-۱-۲- محدودیت دولت های ملی
- ۸۵ ..... ۳-۱-۱-۲- گسترش ایدئولوژی سیاسی واحد



- ۲-۱-۱-۴- بروز آنارشسیسم و ظهور بی‌نظمی ..... ۸۶
- ۲-۱-۱-۵- پیدایش دولت‌های شهری ..... ۸۷
- ۲-۱-۲- اندیشمندان موافق محو حاکمیت دولت‌ها در جهانی شدن ..... ۸۹
- ۲-۱-۲-۱- جیمز روزنا ..... ۸۹
- ۲-۱-۲-۲- مک لوهان ..... ۸۹
- ۲-۱-۲-۳- یورگن هابرماس ..... ۹۰
- ۲-۱-۲-۴- استفان پائول های ..... ۹۱
- ۲-۲- حوزه اقتصاد و امور مالی ..... ۹۲
- ۲-۲-۱- مؤلفه‌های محدودیت و زوال حاکمیت دولت‌ها در اقتصاد ..... ۹۴
- ۲-۲-۱-۱- مالی ..... ۹۵
- ۲-۲-۱-۲- تجارت ..... ۹۷
- ۲-۲-۱-۳- شرکت‌های چندملیتی ..... ۹۸
- ۲-۲-۱-۴- تقسیم کار بین‌المللی ..... ۹۹
- ۲-۲-۱-۵- مدیریت تولید ..... ۹۹
- ۲-۲-۱-۶- طبقات فراملی ..... ۱۰۰
- ۲-۳- حوزه امنیت و جهانی شدن ..... ۱۰۱

### فصل سوم: مخالفان ممو حاکمیت دولت در عصر جهانی شدن (نظریات اندیشمندان

#### مکتب نو واقع‌گرای)

- ۳-۱- حوزه سیاست و امور حکومتی ..... ۱۰۶
- ۳-۱-۱- رابرت گیلپین ..... ۱۰۶
- ۳-۱-۲- استفان کراسنر ..... ۱۰۷
- ۳-۱-۲-۱- دولت محوری و چهره دوگانه حاکمیت ..... ۱۰۷
- ۳-۱-۲-۲- مفهوم و گستره جهانی شدن ..... ۱۱۰
- ۳-۱-۲-۳- رژیم‌های بین‌المللی و جهانی شدن ..... ۱۱۳

- ۱۱۵..... ۳-۱-۳- کنت والتز
- ۱۲۱..... ۲-۳- حوزه اقتصاد و جهانی شدن تجارت و اقتصاد
- ۱۲۱-۲-۳- تردید درباره جهانی شدن (بررسی نظریات گراهام تامپسون و پل هرست)
- ۱۲۱..... ۳-۲-۱-۱- اسطوره جهانی شدن
- ۳-۲-۱-۲- آیا به هم پیوستگی اقتصادی در عرصه جهانی
- ۱۲۳..... پدیده جدیدی است؟
- ۳-۲-۱-۳- گسترش تجارت، سرمایه گذاری خارجی و
- ۱۲۵..... نابرابری
- ۱۲۶..... ۳-۲-۱-۴- آیا دولت‌ها از بین می‌روند؟
- ۱۲۹..... ۳-۳- حوزه امنیت و جهانی شدن (مؤلفه‌های بقای حاکمیت دولت‌ها)
- ۱۳۲..... ۴-۳- موقعیت دولت‌های اقتدارگرا در فرایند جهانی شدن
- ۱۳۲..... ۳-۴-۱- ویژگی‌های دیکتاتورهای جدید
- ۳-۴-۲- فاکتورهایی که موجب افول قدرت دولت‌های اقتدارگرا
- ۱۳۵..... می‌گردد
- ۳-۴-۳- شرایط ظهور و بقای دولتهای اقتدار طلب در متن جهانی شدن
- ۱۳۸.....
- ۱۴۴..... ۳-۵- آمریکا و جهانی شدن
- ۱۵۳..... نتیجه گیری
- ۱۵۸..... فهرست منابع

## ۱) طرح مسئله و سوال اصلی:

یکی از پدیده‌هایی که جامعه بشری در حال حاضر با آن مواجه شده است پدیده جهانی شدن می‌باشد. ابعاد و دامنه‌های این پدیده آنقدر وسیع و گسترده است که تمام شئون زندگی بشری را در عرصه‌های مختلف تکنولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحت تأثیر خود قرار داده است. تا جاییکه عده‌ای از صاحب نظران آن را به عنوان بزرگترین و مهمترین رخداد تاریخ بشری محسوب می‌کنند. اندیشه‌ای که از آمریکا و اروپا برخاسته است و عمدتاً ماهیتی غربی دارد. جهانی شدن که به معنی فشردگی زمان و مکان در سطح جهانی و در عرصه‌های مختلف فرهنگ، اقتصاد، سیاست، ارتباطات، محیط زیست و ... با محوریت دولت‌ها می‌باشد، برای عرصه گسترده‌ای از بحث‌های امروزی از اقتصاد، سیاست، دموکراسی، حقوق بشر گرفته تا مناقشات مربوط به هویت و تفاوت‌های فرهنگی به واژه‌ای گریز ناپذیر تبدیل شده است. اما گویا این اصطلاح تنها می‌تواند برانگیزنده واکنش‌های ابهام انگیزی باشد. «جهانی شدن» از یک سو تداعی‌گر تصویری از همپیوندیها، مراودات و ارتباطات بین دورترین مناطق جهان و معارضه با تعصبات کهنه و همین‌طور مبشر آینده‌ای است که در آن تمام ریشه‌های جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی منازعات اجتماعی خشکیده می‌شود و از سوی دیگر تصویری ترسناک از یک بازار عنان گسیخته نوسازی (مدرنیزاسیون) بی‌امان را القاء می‌کند که می‌رود تمام شالوده‌های سیاسی دولت را از هم بگسلد و آنها را از توان مدیریت اقتصادی کشور و مهار بحران‌های اجتماعی و زیست محیطی ناشی از جهانی شدن باز دارد.

جهانی شدن از یک طرف چشم انداز آرمانشهری را نشان می‌دهد که در آن بیگانگان پیشین به واسطه انواع رسانه‌های جهانی به مناسبات مسالمت جویانه وارد می‌شوند و از طرف دیگر منظری را ترسیم می‌کند که در آن خواه به فرمان یک دستگاه مدیریت مرکزی یا حکم بازار جهانی امر اجباری "همانند سازی فرهنگی" به جلو رانده می‌شود. در یک سوی آن محور فرهنگ کشورهای ضعیف در حال توسعه و در سوی دیگر گسترش و سیطره فرهنگ آمریکایی. جهانی شدن یکی از مباحث مطرح در روابط بین‌الملل معاصر در دو سطح نظری و عملی است. تقریباً بیشترین واژه‌ای که در دهه ۹۰ میلادی در ادبیات روابط بین‌الملل تکرار شد مسأله جهانی شدن بود. به قول کوهن

در فهم تحولات جهانی به عنوان یک پارادایم باید مد نظر داشت و به قول واترز مفهوم مشهور دهه ۱۹۹۰ و اندیشه‌ای کلیدی است که به کمک آن انتقال جامعه بشری به هزاره سوم را درک می‌کنیم. «مایکل انتری لی گیترا» معتقد است جهانی شدن یکی از وجوه قدرتمند نظم جدید جهانی و بازگو کننده یکی از قوی‌ترین نیروهای موثر در تعیین مسیر آینده سیاره زمین است و دارای ابعاد همه‌گیر و جهان‌شمول می‌باشد. چنانکه همه اندیشمندان و صاحب نظران معتقدند این پدیده دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد.

گسترش تکنولوژی و نبوغ بشری در دهه‌های اخیر موجب شده که با انقلاب انفورماتیک و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، روابط جهانی بیشتر و سهل‌تر گردد. ولی اکنون در دوره- ای زندگی می‌کنیم که از این جهان ناشناخته دیروزی، امروز به عنوان دهکده جهانی یاد می‌کنیم و این دهکده هر روز یکپارچه‌تر و یک رنگ‌تر می‌شود و یقیناً در این دهکده جهانی، جهانی شدن فاکتور اصلی محسوب خواهد گردید چیزی که گسترش ارتباطات انسانی وجود آن را ضروری ساخته و دیگر کسی نمی‌تواند ادعای مهار و امکان توقف آن را داشته باشد. امروزه دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که از تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم جهانی شدن بی‌تأثیر می‌باشد، اما باید توجه کامل داشت که همه کشورها به یک حد جهانی شدن را که پدیده‌ای دوگانه - فرصت سازی و تهدیدزا - می‌باشد، مطلوب و غیرمطلوب نخواهند پنداشت، زیرا جهانی شدن برای بعضی از کشورها مثل آمریکا فرصت ساز و کمترین تهدید را دارد در عوض اکثر کشورهای جهان سومی در صورت عدم شناخت کامل از آن دچار تهدید خواهند بود.

#### - واژه جهانی شدن<sup>۱</sup> تعاریف مختلفی دارد:

۱- رناتو راجیرو نخستین رئیس سازمان تجارت جهانی<sup>۲</sup> جهانی شدن را به این عنوان توصیف کرد که همه را در کام خود فرو خواهد برد.

۲- جهانی شدن عبارت است از دگرگونی جغرافیایی، اجتماعی که بوسیله گسترش فضاهاى فوق قلمروی مشخص می‌شود. این دیدگاه را یان آرت شولت ابراز کرده است.

۳- جهانی شدن فرایندی است که مردم جهان از طریق آن در جامعه واحد جهانی قرار می‌گیرند (مارتین آلبرو).

---

<sup>۱</sup> . globalization

<sup>۲</sup> .world trade organization

۴- جهانی شدن را می‌توان به مثابه افزایش و تقویت روابط اجتماعی در گستره جهان تعریف کرد و مناطق جغرافیایی دور از هم را به گونه‌ای به یکدیگر ارتباط می‌دهد که رویدادهای واقع شده در یک نقطه بر اتفاقات منطقه دیگر که در فاصله بسیار دور واقع شده اثر می‌گذارد و بالعکس (آنتونی گیدنز).

۵- جهانی شدن به معنی شبکه سازی جهانی است که جوامع سابقاً پراکنده و منزوی این سیاره را به یکدیگر ارتباط داده و وابستگی متقابل بین آنها ایجاد کرده است و می‌توان گفت «جهان واحد» شکل گرفته است (امانوئل ریشر).

۶- ویژگی‌های روند جهانی شدن شامل بین‌المللی شدن تولید، تقسیم کار بین‌المللی جدید، مهاجرت‌های جدید از جنوب به شمال، پدید آمدن محیط رقابتی جدید که این فرایندها را تسریع می‌کند و بین‌المللی شدن کشورهاست. بدین ترتیب کشورها را به نهادهایی که متعلق به دنیای در حال جهانی شدن هستند، تبدیل می‌کنند (رابرت کاکس).

۷- جهان در حال تبدیل به یک بازارچه است که در آن ایده‌ها و محصولات در آن واحد در هر نقطه در دسترس هستند (رزابث موس کانتر).

۸- جهانی شدن جهان همان چیزی است که ما در جهان سوم برای قرون متمادی به آن استعمار می‌گفتیم (مارتین کور).

۹- می‌توان گفت جهانی شدن فرایند یا مجموعه فرایندی است که در آن سازمان روابط اجتماعی و تعاملات، تغییر و تحول پیدا می‌کند (دیوید هلد و دیگران).

۱۰- جهانی شدن یک فرایند غیر ارادی از یکسری طرح‌های ارادی و از پیش تعیین شده برای یکپارچه شدن در زمینه‌های مختلف فرهنگ، محیط زیست، اقتصاد و سیاست است (بهرام نوازی).

#### - رویکردها و کاربردهای مختلف از واژه جهانی شدن:

۱- بین‌المللی شدن<sup>۳</sup>: اغلب از واژه جهانی شدن برای ایفای معنای بین‌المللی شدن استفاده می‌شود. درحالی‌که این کلمه به معنای گسترش تعاملات فرامرزی و وابستگی متقابل کشورهاست.

۲- آزاد سازی<sup>۴</sup>: این واژه به معنی رفع محدودیت‌های دولتی از نقل و انتقال بین کشورهاست تا بتوان اقتصاد جهانی را یکپارچه و آزاد کرد.

---

<sup>۳</sup>. internationalization

۳- جهانی سازی<sup>۵</sup>: به معنی القای اهداف و برنامه‌های خاص به مردم سراسر جهان است.

۴- غربی کردن<sup>۶</sup>: بسیاری از مردم و به ویژه منتقدان امپریالیسم فرهنگی، جهانی شدن را غربی کردن معنی کرده‌اند.

۵- قلمروزدایی<sup>۷</sup>: یعنی تغییرات جغرافیایی که بر اساس آن مناطق جغرافیایی، فواصل و مرزهای جغرافیایی بخشی از اهمیت پیشین خود را از دست می‌دهند.

## - نظریه‌های سیاست جهانی:

۱- **رنالیست‌ها و سیاست جهانی**: رنالیست‌ها معتقدند که مهمترین بازیگران عرصه جهانی کماکان دولت‌ها هستند که از لحاظ حقوقی دارای حق حاکمیت هستند، حاکمیت به معنی این است که بالاتر از دولت هیچ بازیگری وجود ندارد که بتواند آن را مجبور به انجام اقدامات خاصی کند. دیگر بازیگران مانند شرکت‌های چندملیتی یا سازمان‌های بین‌المللی باید در چارچوب روابط بین دولت‌ها فعالیت کنند.

رنالیست‌ها درباره اینکه چه چیزی سبب اقدامات و جهت‌گیری فعالیت‌های دولت‌ها می‌شود برای طبیعت انسانی اهمیت زیادی قائلند. آنان معتقدند طبیعت انسانی بسیار خودخواه است و اعتقادی بر خلاف این اصل اشتباه خواهد بود و به نظر آنان ایده‌آلیست‌ها چنین اشتباهی را مرتکب شده‌اند. در نتیجه چنین اعتقادی، سیاست جهانی جنگ قدرت بین دولتهاست که هر یک قصد دارند منافع خود را به حداکثر برسانند.

۲- **لیبرالیسم و سیاست جهانی**: مهمترین مضمون اندیشه لیبرالیسم این است که انسانها می‌توانند به کمال دست پیدا کنند، دموکراسی برای تحقق کمال ضروری است و اندیشه‌ها اهمیت دارند و اندیشه اعتقاد به پیشرفت وجود داد و برخلاف رنالیست‌ها که جنگ را شرایط طبیعی سیاست جهانی می‌دانند، لیبرال‌ها آن را شرایط بیمارگونه سیاست جهانی می‌دانند. اگر چه لیبرالیست‌ها نیز معتقدند که دولت بازیگر مهمی است و می‌گویند شرکت‌های چندملیتی، بازیگران فراملی مانند گروه‌های تروریستی و سازمان‌های بین‌المللی در برخی از موضوعات جهانی بازیگران اصلی‌اند. لیبرال‌ها در سیاست جهانی به همکاری میان دولت‌ها معتقدند.

---

<sup>۴</sup> . liberalization

<sup>۵</sup> . universalization

<sup>۶</sup> . westernization

<sup>۷</sup> . de territorialization

۳- **مارکسیسم و سیاست جهانی:** از دیدگاه نظری مارکسیسم، مهمترین ویژگی سیاست جهانی که در جهان اتفاق می‌افتد از لحاظ اقتصاد سرمایه‌داری است. در این جهان اقتصادی مهمترین بازیگران دولت‌ها نیستند بلکه طبقات هستند و رفتار دیگر بازیگران در نهایت بوسیله نیروهای طبقه قابل تشریح است. بنابراین دولت‌ها، شرکت‌های چندملیتی و حتی سازمان‌های بین‌المللی نماینده منافع طبقات مسلط در جهان اقتصاد هستند و معتقدند که اقتصاد جهانی به شدت آزادی عمل دولت‌ها را محدود می‌کند.

مسئله مهم که در این پژوهش مد نظر است اینکه در شرایط کنونی جهانی شدن نتوانسته آنطور که ادعا می‌شود حاکمیت دولت‌ها را از بین ببرد و در آینده نزدیک نیز چنین امری غیر محتمل به نظر می‌رسد و در مواردی جهانی شدن تکنولوژی، امکانات زیادی در اعمال حاکمیت دولت‌ها در اختیارشان قرار داده است و دولت‌ها در اعمال حاکمیت‌شان تغییر کارکرد داده‌اند. ما می‌خواهیم نگراننده در صدد است که جامعه علمی ایرانی با دست پر با جهانی شدن روبرو شود و نگاه ایدئولوژیک نسبت به آن را حذف و با عینک منطقی با آن روبرو شود زیرا که مقتضیات زمانی، جهانی شدن را ایجاب کرده و ما ناچار همسو و همسفر این جریان هستیم. بعد از تعریف جهانی شدن، بنا به گستردگی موضوع، رابطه جهانی شدن و حاکمیت دولت‌ها در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی بررسی می‌گردد، موضوعی که علی‌رغم نه چندان تازگی به یکی از مسایل حساس محافل علمی و سیاسی کشورمان مبدل گردیده و هر روز بر تحقیق در جزئیات این امر افزوده می‌شود. اکثر نویسندگان شهیر خارجی و داخلی معتقدند که جهانی شدن با کم رنگ کردن حاکمیت دولت‌ها و تضعیف اقتدار آنان فصلی جدید را در مناسبات روابط بین‌الملل شروع خواهد کرد که هیچ دولتی را توان مقابله با تبعات آن نیست. این مطلب قابل بیان است بر خلاف ادعاهای تکراری که دنیای در حال جهانی شدن معاصر شاهد نوعی عقب نشینی کلی یا اضمحلال دولت است، هنوز دولت‌ها در مقام تنظیم کننده اصلی امور باقی مانده‌اند و تاکنون هیچ نشانه‌ای از فروپاشی دولت در آینده نزدیک نیز دیده نمی‌شود. پس از آشنایی مجمل با تعاریف جهانی شدن و رویکردها نسبت به آن و نیز عدم قطعی بودن اضمحلال دولت‌ها ناشی از جهانی شدن سوال اصلی این پژوهش چنین می‌باشد که:

**پرسش اصلی: جهانی شدن چه تأثیری روی حاکمیت دولت‌ها دارد؟**

## - سوالات فرعی تحقیق

۱- آیا جهانی شدن موجب از بین رفتن حاکمیت دولت‌ها شده است؟

۲- آیا رویدادهای جهان معاصر حاکی از کاهش نقش دولت‌هاست؟

### ۲) پیشینه‌ی موضوع پژوهش:

پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده است به نیمه دوم قرن بیستم بر می‌گردد، هر چند عده‌ای را باور بر این است که از قرون پیشین این موضوع بوده ولی بدین صراحت بیان نگردیده است. پس برای تحقیق ناب این موضوع باید به گذشته رجوع کرد. واژه جهانی شدن گرچه قبل از قرن بیستم وضع گردید ولی از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ در محافل دانشگاهی اعتبار علمی پیدا کرده است و از آن زمان تحقیقات زیادی روی این موضوع و ابعاد آن انجام شده است. در این نوشته‌ها عمدتاً جهانی شدن را به عنوان یک موضوع کلی در نظر گرفته‌اند و در لابه لای این نوشته‌ها بعضاً فصولی نیز به بررسی ارتباط جهانی شدن و حاکمیت دولت‌ها پرداخته‌اند و بررسی موردی و تخصصی جهانی شدن و حاکمیت دولت‌ها به عنوان موضوع مستقلی انجام نگرفته است و قطعاً پرداختن به این موضوع، امری تکراری نخواهد بود. همچنین بیشتر این منابع و کارهای انجام گرفته کار دولت‌ها را در این برهه خاتمه یافته تلقی می‌کنند که با فرضیه و اهداف این پژوهش مغایرت دارند.

### ۳) چارچوب نظری و فرضیات پژوهش:

#### - فرضیه‌ی اصلی پژوهش:

روند جهانی شدن نتوانسته است منجر به محو حاکمیت دولت‌ها شود و دولت‌ها بازیگران اصلی عرصه بین‌المللی هستند.

#### - فرضیات رقیب:

- ۱- جهانی شدن هیچ‌گونه تأثیری روی حاکمیت دولت‌ها ندارد.
  - ۲- جهانی شدن به طور کلی نقش دولت‌های ملی را محو می‌کند.
- با اثبات فرضیه اصلی میزان استحکام علمی آنها مشخص می‌شود.



#### ۴) استراتژی پژوهش:

در این پژوهش از روش اسنادی - کتابخانه‌ای استفاده شده که با مراجعه به کتاب‌ها، مجلات و منابع اینترنتی که در این زمینه وجود دارند مطالبی در خصوص اثبات فرضیه اصلی جمع‌آوری و پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات، نگاشته خواهد شد.

#### ۵) اهمیت و اهداف تحقیق:

- اهمیت اثبات فرضیه اصلی:

- ۱- نشان دادن اینکه جهانی شدن به رغم ادعاهای موجود نتوانسته حاکمیت دولت‌ها را محو کند.
- ۲- با شناخت ابعاد و آثار جهانی شدن بر حاکمیت دولت‌ها، برخورد آگاهانه و توأم با بینش علمی با این موضوع داشته باشیم.
- ۳- افزایش دایره اطلاعاتی نگارنده و کمک به غنای علمی جامعه دانشگاهی.

#### ۶) سازماندهی پژوهش:

پژوهش در سه فصل تنظیم شده است. پس از ذکر مقدمه، در فصل اول (کلیات) به تعریف دولت و حاکمیت، ذکر تاریخچه جهانی شدن، چرستی و تعاریف جهانی شدن و نظریات مکاتب گوناگون در مورد جهانی شدن پرداخته می‌شود و در فصل دوم نظریات موافقان محو حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی شدن ذکر می‌گردد و در آخرین فصل پژوهش یعنی فصل سوم جهت اثبات فرضیه نظریات مخالفان محو حاکمیت دولت‌ها در فرایند جهانی شدن ذکر خواهد می‌شود و در آخر نتیجه‌گیری حاصل از پژوهش نگاشته خواهد شد.

## فصل اول (کلیات):

- ۱- تعریف دولت
- ۲- تعریف حاکمیت
- ۳- تاریخچه جهانی شدن
- ۴- چیستی و تعریف جهانی شدن
- ۵- نظریات مکاتب گوناگون در مورد جهانی شدن

## اشاره:

در این فصل به تعریف و ذکر موارد زیر پرداخته می‌شود. ابتدا به تعریف دولت و حاکمیت پرداخته خواهد شد. دولت به معنی مقوله‌ای که دارای عناصر: ۱- مردم یا جمعیت ۲- سرزمین ۳- حکومت ۴- حاکمیت می‌باشد و حاکمیت نیز به عنوان مهمترین عنصر دولت نو شناخته می‌شود، چیزی که دولت را از دیگر گروه‌ها و مجتمع‌های انسانی مشخص و متمایز می‌کند و از لحاظ داخلی نباید اقتداری مهمتر از دولت و از نظر خارجی کشور باید از سلطه دیگر کشورها فارغ باشد. در این فصل به تفصیل و موشکافی دقیق، به ویژگی‌های هر کدام از آنها پرداخته خواهد شد. سپس به تاریخچه‌ی جهانی شدن توجه مبذول می‌شود. با درک تاریخچه و شروع این فرایند ارزیابی ما از مناسبات جهانی شدن و حاکمیت دولت‌ها واقعی‌تر و علمی‌تر خواهد بود. پر واضح است که در میان اندیشمندان در مورد شروع این پدیده اتفاق نظر واحدی وجود ندارد و تقریباً به اندازه نظریه پردازان جهانی شدن، در مورد تاریخچه این پدیده نظرات گوناگونی ابراز شده است. در حالیکه بعضی از دانشمندان شروع این مقوله را به قبل از میلاد مسیح و هزاران سال پیش مربوط می‌دانند، عده‌ای نیز شروع آن را ۵۰۰ سال پیش و عده‌ای نیز با شروع مدرنیته هم آغاز می‌دانند. با وجود عدم اتفاق نظر در مورد شروع این پدیده، همه دانشمندان آن را به عنوان واقعیت جهان معاصر تلقی می‌کنند و در پی شناخت و ارزیابی آثار آن می‌باشند.

عبارتی که بنظر می‌رسد نخست بوسیله اقتصاددانان از سال ۱۹۸۰ به بعد مطرح شده باشد. اگر چه قبل از آنها دانشمندان علوم اجتماعی نیز در سال ۱۹۶۰ برای اولین بار بکار برده بودند. بهر حال این واژه از دهه ۱۹۸۰ بیشترین کاربرد را در ادبیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان داشته است. اصطلاحی که بنظر می‌رسد ابتدائاً توسط نظریه پردازان غربی و مخصوصاً آمریکا جایگزین همکاری‌های بزرگ بین‌المللی شده است. در این مفهوم نموده‌های آن از جنگ دوم جهانی مخصوصاً با تأسیس سازمان ملل و قدرت هژمونیک آمریکا پس از جنگ سرد بیشتر ملموس‌تر گردید ([www.google.com.wikipedia.globalization](http://www.google.com.wikipedia.globalization)).

بعد از ذکر تاریخچه، چیستی جهانی شدن بررسی می‌گردد. در این خصوص باید گفت تغییر و تحولات دو قرن اخیر، چهره جهان را یکسره دگرگون ساخته و حتی سرعت تحولات در سال‌های اخیر به گونه‌ای بوده که جهان امروز با جهان یک دهه پیش نیز تفاوت‌های بسیار دارد. برخی نظریه پردازان علوم اجتماعی مشخصه‌ی اصلی تحولات در سده اخیر را در «کوچک تر شدن جهان» می‌دانند. گروهی از آنان با رویکرد متأثر از علوم ارتباطات از «دهکده جهانی» سخن می‌گویند و گروهی دیگر هم صدا با دانشمندان علوم سیاسی واژه «جامعه جهانی» را بکار می‌برند (اسکلیر، ۱۳۷۴، ۵). مفهوم جهانی شدن که از دهه ۱۹۶۰ وارد فرهنگ لغات گردیده، پس از پایان جنگ سرد در ابعاد وسیع و متنوعی کاربرد پیدا کرده است، تا آنجا که بسیاری از صاحب نظران اوضاع پس از دوران مزبور را براساس این پارادایم توضیح داده‌اند (قوام، ۱۳۸۴، ۸). جهانی شدن چیست؟ یکپارچگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نظام‌ها از سوی قدرت‌های بزرگ است؟ آمریکایی کردن جهان و تسلط ایالات متحده در امور جهان است؟ آیا یک اجبار برای رشد و پیشرفت کشورها در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی است؟ یک اجبار برای فروپاشی دولت‌های ملی و حاکمیت آنهاست؟ در حالت کلی جهانی شدن خوب است یا بد؟ این پرسش‌ها می‌تواند پاسخ‌های متفاوتی در واشینگتن، سائوپائولو، پاریس، ژوهانسبورگ، بمبئی و از سوی مردم، رهبران، فعالان حقوق بشر و کارگران داشته باشد.

چندین مقوله در فرایند جهانی شدن در مقابل هم قرار می‌گیرند:

- ۱- انتخاب‌های فردی در مقابل انتخاب‌های اجتماعی و جهانی.
  - ۲- بازار آزاد در مقابل بازارهای دولتی
  - ۳- مقامات محلی در مقابل مقامات فراملی .... (Laurence, ۲۰۰۶: ۱۳). مسائلی از این دست ارائه تعریف مقبول از این مقوله را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است.
- در قسمت آخر این فصل، دیدگاه مکاتب گوناگون مهم در مورد فرایند جهانی شدن بررسی می‌شود. این مکاتب به ترتیب عبارتند: ۱- مکتب رئالیسم ۲- مکتب نئورئالیسم ۳- مکتب لیبرالیسم ۴- مکتب نئولیبرالیسم ۵- مکتب مارکسیسم ۶- مکتب رفتارگرایی ۷- مکتب فرار رفتارگرایی.